



پیش شرط تحقق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران

فیروز رازنهان، دانشجوی دکتری مدیریت رفتار سازمانی دانشگاه تهران

مقدمه

توسعه شتابان کشورهای آسیایی همچون چین، کره جنوبی، و هند نظریات توسعه به ویژه نظریه های فرهنگی توسعه را، که عمدتاً مبتنی بر مختصات فرهنگی غرب تبیین و تبلیغ می شوند، به چالش طلبیده است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و معرفی مردم سالاری دینی و توفیقات آن در عرصه عمل، به عنوان پارادایم

رقیب، ضربه مهلک دیگری بر الگوهای توسعه لیبرالیستی بوده است. این ناکارآمدی‌ها و چالش‌ها در حوزه الگوها و نظریه های مدیریتی (روزبو و فرایید، ۲۰۰۱؛ هافستد، ۱۹۹۴:۲۰۰۴؛ ترامپنارس، ۱۹۹۳؛ چنگ و دیگران، ۲۰۰۱)، روان شناسی (هیزل و مارکوس، ۱۹۹۱)، و سایر علوم نرم نیز

آشکار گردیده است. جملگی این یافته‌ها و تجربیات جهانی بر عامل فرهنگ و نقش کلیدی فرهنگ جوامع در چگونگی به کارگیری دانش نرم، الگوهای مدیریتی و توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها تأکید می نماید. در حقیقت این امر تا حد زیادی به ماهیت زمینه محور علوم اجتماعی و انسانی باز می گردد.

دیدگاه ساختاری، به عنوان دیدگاه غالب در کشور، نقش تعیین کننده عوامل زمینه ای و مهمترین آنها یعنی فرهنگ را نادیده یا ناچیز می پندارد و در مقابل اولویت را به مدیریت عناصر ساختاری همچون قوانین و مقررات، ترتیبات ساختاری و سخت افزارها می دهد. حال آنکه عوامل ساختاری و عوامل فرهنگی - زمینه ای، دو روی یک سکه می باشند و یکی بدون دیگر ناقص خواهد بود و صرفاً بخشی از واقعیت را

منعکس می نماید. تمرکز همزمان، متعادل و متوازن بر بعد نرم و سخت افزاری از اصول اساسی توفیق برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها و جوامع پیش گفته بوده است.

سند چشم‌انداز کشور

هرچند سابقه تدوین و ابلاغ رسمی چشم‌انداز کشور به سال ۱۳۸۲ باز می گردد، اما در حقیقت می توان چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افرق ۱۴۰۴ ه. ش، را دومین سند چشم‌انداز کشور دانست.

اولین چشم‌انداز نانوشته کشور که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و سال های نخست پس از آن طراحی و به اجرا گذاشته شد، بر محور استقرار حکومت جمهوری اسلامی و

تثبیت انقلاب اسلامی بود. این چشم‌انداز به دست معمار اصلی انقلاب حضرت امام خمینی (ره) طراحی و عملیاتی شد.

با تحقق ارکان اصلی چشم‌انداز نخست کشور، علیرغم موانع و چالش های بسیار، به تدریج اجماع درباره ضرورت تدوین چشم‌انداز فراگیر کشور بین مدیران عالی نظام در بخش های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی شکل گرفت و نهایتاً این مهم با هدایت و راهبری حکیمانه مقام معظم رهبری و از طریق مشارکت سازمان مدیریت و برنامه ریزی، هیات دولت، مجمع تشخیص مصلحت، صاحب نظران، و مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها تحت عنوان چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افرق ۱۴۰۴ ه. ش، به منصفه ظهور رسید. بنابراین چشم‌انداز نخست، با رویکرد طراحی فردی و غیررسمی و با تکیه بر ظرفیت های رهبری کریزماتیک تدوین گردد و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افرق ۱۴۰۴ ه. ش، به عنوان دومین چشم‌انداز کشور

با رویکرد جمعی و مشارکت ملی تدوین و به تأیید مراجع ذیصلاح و نهایتاً تصویب مقام معظم رهبری رسید.

سند چشم‌انداز و مهندسی فرهنگی کشور: دو روی یک سکه

تقریباً همزمان با آغاز مراحل تدوین سند چشم‌انداز کشور، مقام معظم رهبری در زمستان ۱۳۸۱ در دیدار سالانه اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، مأموریت مهندسی فرهنگی کشور و تنظیم نقشه فرهنگی کشور را به این شورا محول نمودند که همواره این مهم مورد تأکید ایشان بوده است. فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی طی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ و تأکیدات و رهنمودهای گرانقدر ایشان، چارچوبی روشن برای درک ضرورت، اهمیت و چگونگی انجام این مأموریت اساسی می باشد.

کار دیگر شورا، مهندسی فرهنگ کشور است. فرهنگ کشور کلاً به یک نظم و جهت‌گیری و جهت یابی و انسجام بخشهای گوناگون دولتی و غیردولتی در باب فرهنگ احتیاج دارد؛ و در این جاست که این مقوله می تواند تأمین شود (در محضر ولایت، ۱۳۸۱).

حالا الان باید نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور روی میز آماده باشد و باید روی آن بحث شده باشد؛ کار شده باشد؛ تصمیم‌گیری شده باشد و نقشه‌ی کلان با راه کارها - نه فقط چیزهایی که صرفاً آرزو و آمال است - کاملاً کشیده شده و مشخص شده باشد؛ این حرف اصلی ماست به شما دوستان (در محضر ولایت، ۱۳۸۴).

تامل و مذاقه در فرمایشات مقام معظم رهبری در پنج سال گذشته، بیانگر آن است که در دیدگاه ایشان بین مهندسی فرهنگی کشور و چشم‌انداز کشور در افرق ۱۴۰۴، رابطه روشنی و قوی ای وجود دارد (مراجعه کنید به در محضر ولایت، ۱۳۸۱: ۱۳۸۲: ۱۳۸۳: ۱۳۸۴).

چشم‌انداز، تصویری از آینده است که تصمیمات

کار دیگر شورا
مهندسی فرهنگ کشور است
فرهنگ کشور کلاً به یک
نظم و جهت‌گیری و
جهت یابی و انسجام
بخشهای گوناگون دولتی
و غیردولتی در باب فرهنگ
احتیاج دارد؛ و
در این جاست که این مقوله
می تواند تأمین شود



رهبران و مدیران (با تفکر استراتژیک) را هدایت می کند. بدون تردید مهندسی فرهنگی کشور بدون وجود یک چشم انداز اثربخش و متناسب با واقعیت ها و ظرفیت های کشور ناممکن می باشد. به علاوه؛ چشم انداز ماهیتاً ابزاری مدیریتی برای تغییرات راهبردی در سازمان یا کشور می باشد که با تصویر آینده مورد انتظار، روحی تازه در

اما در مقیاس کوچکتر است.

چشم انداز از طریق خلق هویتی نو می تواند باورها، گرایش ها، و رفتارهای متناسب با آینده را ترسیم و نگرش مثبت به آینده ایجاد کند، تحمل دشواری ها و چالش ها را آسان تر و مقاومت در برابر تغییر را به مشارکت در تحول تبدیل نماید. بطور کلی، چشم انداز به خلق بستر

و پیوندهای فراملی و بین المللی انجامید و نهایتاً در آغازین قرن هزاره سوم، جهانی شدن در حال فراگیر و نهادینه کردن این تحولات می باشد (لیونگ و دیگران، ۲۰۰۵). بر این اساس، بتدریج روابط افراد و سازمان ها مرزهای ملی را درنوردید و عرصه فعالیت ها و تعاملات بین المللی و جهانی شد. در این زمان مختصات و ویژگی های فرهنگ های ملی و اجتماعی جوامع وارد معادلات شد. برای نمونه، پیشرفت های چشمگیر ژاپن در دهه های ۸۰ و ۹۰ که با الگوهای توسعه رایج غربی ناسازگار بود محققین را نسبت به نقش اساسی عامل فرهنگ ملی رهنمون شد. جدول شماره دو، سطوح و تعاریف فرهنگ را نشان می دهد.

اغلب مدل های فرهنگی و رفتار کار، ثبات فرهنگی را مفروض می دانند و بر تناسب بین یک فرهنگ خاص و شیوه های مدیریتی و انگیزشی معین تاکید می نمایند (ارز و ارلی، ۱۹۹۳ به نقل از لیونگ و دیگران، ۲۰۰۵). تناسب بیشتر به معنای انطباق بیشتر شیوه های مدیریتی در یک فرهنگ خاص و در نتیجه اثربخشی بیشتر می باشد.

تحقیقات نشان می دهد که فرهنگ ملی، به عنوان یکی از سطوح مطالعه فرهنگ، به تنهایی قدرت تبیین ۲۵ تا ۵۰ درصد تفاوت های عملکردی در سطح جوامع و سازمان ها را دارد. و تقریباً بر اغلب متغیرها در سطح فردی، گروهی و سازمانی و صنعت تاثیر گذار می باشد (همان). فرهنگ ملی نرم

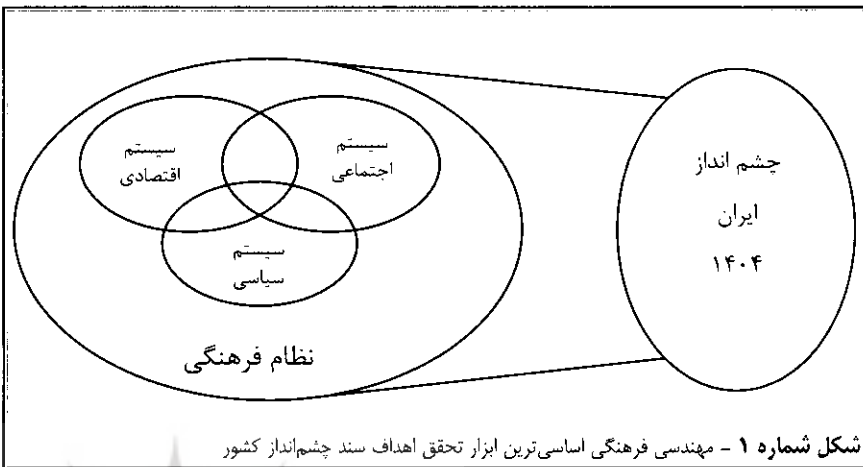
و زمینه ی مناسب جهت شکوفایی استعدادها و به فعلیت درآوردن قابلیت های فردی و جمعی یاری می رساند.

فرهنگ: نگرشی عملیاتی

در سه دهه اخیر، دو جریان تکامل بخش بین المللی شدن و جهانی شدن منجر به درک اهمیت عامل فرهنگ و شناخت فرهنگ جوامع

کالبد کارکنان سازمان، یا اعضای یک جامعه یا ملت می دمد.

هدف اصلی چشم انداز ایران ۱۴۰۴، آگاهی بخشی، هماهنگی و هدایت تلاش ها، افکار و منابع کشور به سوی بخش های اصلی است که تحقق اهداف توسعه ای کشور را ممکن می سازد. بنابراین ایجاد تهدید در آحاد جامعه و برخورداری از حمایت و پشتیبانی آنها از الزامات اساسی تحقق اهداف سند



شکل شماره ۱ - مهندسی فرهنگی اساسی ترین ابزار تحقق اهداف سند چشم انداز کشور

چشم انداز می باشد. شکل شماره یک، تعامل مهندسی فرهنگی کشور و چشم انداز کشور را نشان می دهد. بر همین اساس چشم انداز در ذات خود، تحولی فرهنگی است، تحول در باورها، ارزش ها، نگرش ها و گرایش ها، و الگوهای رفتاری. تحول معرفتی، ارزشی و رفتاری درباره اینکه کیستیم؟ و می خواهیم چه کسی باشیم؟ در کجا ایستاده ایم؟ و به سوی کدام مقصد در حرکتیم؟ چشم انداز دارای خاصیت بازنمایی یا

هولوگرافیک می باشد یعنی چشم انداز گروهی، سازمانی، یا حتی یک بخش یا یک صنعت انعکاسی از چشم انداز ملی آن کشور یا جامعه،

تعاریف	سطوح
هر نوع تفاوت فرهنگی که فراتر از مرزهای یک کشور یا ملت باشد. منطقه ای: فرهنگ آسیایی قومی: فرهنگ انگلو سکسن ها مذهبی: فرهنگ مسلمانان؛ فرهنگ شیعه زبانی: فرهنگ عرب زبان ها	فرا ملی: • منطقه ای • قومی • مذهبی • زبانی
ویژگی های جمعی که به شهروندان یک کشور معین تعلق دارد	ملی
ارزش ها، نگرش ها و الگوهای رفتاری که اعضای یک جامعه در یک مقطع زمانی خاص با توجه به متغیرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی از خود بروز می دهند	عمومی
تاکید بر تمایز بین وفاداری به سازمان (کارفرما) در مقابل وفاداری به صنعت مفروضات، باورها، ارزش ها و الگوهای رفتاری مشترک کارکنان سازمان	حرفه ای
ارزش ها، و الگوهای رفتاری مشترک اعضای گروه، گروه کاری، و ...	گروه

جدول شماره ۲ - تعاریف سطوح مختلف فرهنگ (کاراها و دیگران، ۲۰۰۵)

مختلف در سطح ملی و سازمانی، شده است. از دهه ۸۰ میلادی، بین المللی شدن به ایجاد و توسعه نهادهای بین المللی و توسعه ارتباطها

افزار ذهن و پدیده‌های جمعی است که همه مردمی که در آن محیط زندگی می‌کنند در آن سهیم هستند و اعضای یک گروه را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد. این نوع فرهنگ شامل نهادها، نظام قانونی، شیوه اداره جامعه، الگوهای خانواده و هنجارهای اجتماعی است و کلاً همه فعالیت‌ها، کنش‌های متقابل و داد و ستدهای جامعه را تعریف می‌کند (هافستد، ۱۹۸۸: ۲۰۰۴).

استعاره «مهندسی» در حوزه مدیریت راهبردی فرهنگی

استعاره مهندسی با بار معنایی به کار گرفته شده در مقاله حاضر، اولین بار توسط مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۶ به کار گرفته شد.

در دو دهه گذشته، استعاره به عنوان روش و تکنیکی در مطالعه پدیده‌های پیچیده، از جمله پدیده‌های اجتماعی - رفتاری توسعه یافته است. سیستم، کوه یخ، مغز، ماشین، فرهنگ، و موجود زنده از جمله استعاره‌هایی می‌باشند که در اغلب رشته‌های علمی بویژه رشته‌های میان رشته‌ای به کار گرفته می‌شود (رازنهان، فیروز، و ناظمی اردکانی، مهدی: ۱۳۸۵).

استعاره، فهم موضوعات انتزاعی از طریق باز تعریف آنها بر حسب مفاهیم و اصطلاحات عینی و ملموس را ممکن می‌سازد. به بیان فنی، استعاره‌ها نقشه‌هایی در حوزه‌های مفهومی ما هستند، و هنگامی به کار گرفته می‌شوند که الگویی استنباطی از یک حوزه مفهومی در حوزه دیگر به کار گرفته شود. عاریت گرفتن مفهوم مهندسی از حوزه مفهومی و شناختی فنی - مهندسی و به کار بستن آن در حوزه مفهومی مدیریت راهبردی فرهنگی کشور امکان ارائه تصویری کل نگر از انتظام، قاعده مندی، و مدیریت پذیر بودن فرهنگ کشور به عنوان یک پدیده تاریخی - اجتماعی با پیچیدگی سازمان یافته، کل نما، و پویا، را بدست می‌دهد.

بهر تقدیر، به کارگیری استعاره مهندسی در حوزه فرهنگ به هیچ وجه من‌الوجه به معنای شی پنداری اگوست کنتی و دورکهایمی و تنزل دادن فرهنگ به سطح ماشین (و پدیده‌های مکانیکی) نمی‌باشد. دلیل اصلی به کارگیری استعاره مهندسی فرهنگی، بازداشتن مدیران، کارشناسان و محققین فرهنگی کشور از اتخاذ دیدگاه‌های باریک و محدود، و کمک به شکل

گیری نگاه کل نگر به پدیده فرهنگ، تغییر و تحولات و پیامدهای آن می‌باشد (فرانکلین، بیتر، ۲۰۰۲).

بنابراین، بهره‌گیری از استعاره مهندسی فرهنگی در نظام راهبردی فرهنگی کشور با هدف و تاکید بر زمینه‌سازی شناخت روندهای کلان فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی از یک سو، و بازخوانی سند چشم‌انداز کشور از سوی دیگر، می‌باشد تا ضمن شناخت مختصات فرهنگی کشور و آگاهی از روند تغییر و تحولات فرهنگی، امکان رصد فرهنگی تحولات فرهنگی و تلاش برای هدایت و رهبری آن در راستای توسعه و تعالی مادی و معنوی جامعه فراهم شود.

فرهنگ و کلان نظام اجتماعی

کارکرد اصلی نظام فرهنگی، به عنوان یکی از چهار سیستم کلان نظام اجتماعی کشور (نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) ایجاد ثبات از طریق حفظ الگوهای هنجاری می‌باشد. در واقع تعادل یا نظم اجتماعی هر جامعه حاصل دو امر است:

- هر نظام فرعی کارکرد خودش را به درستی انجام دهد؛

- یک نظام فرعی بر نظام‌های فرعی دیگر سلطه نیابد (اصل حفظ هویت در عین وابستگی).

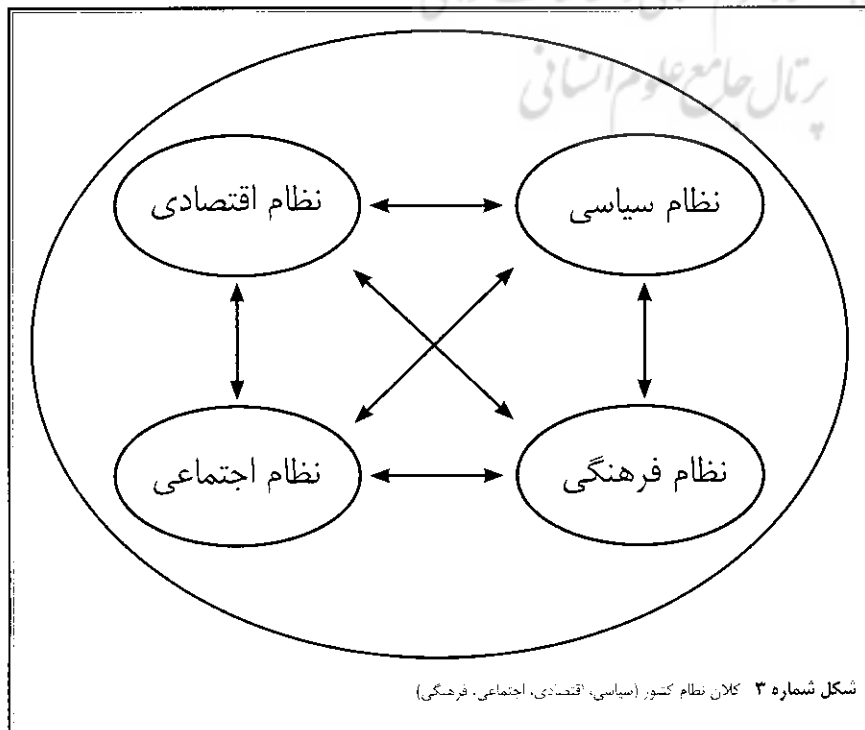
ضمن اینکه هر نظام فرعی دارای کارکرد ویژه خود می‌باشد در عین حال از هویت مستقلی نیز برخوردار است. بعلاوه نظام‌های فرعی چهارگانه

در چارچوب یک نظام کلان تر یا همان نظام اجتماعی، دارای تعامل پویا و هدفمند می‌باشند. هرگاه یک نظام فرعی کارکرد خود را به درستی انجام ندهد و یا یکی از نظام‌ها بر نظام دیگر سلطه یابد، نظام اجتماعی دچار «عده تعادل» می‌گردد. شکل شماره سه، تعامل چهار نظام فرعی کلان نظام کشور را نشان می‌دهد.

البته می‌بایست توجه داشت که تعامل نظام‌ها و فراگیری نظام فرهنگی جامعه به عنوان «سلطه» قلمداد نگردد. در ادامه با بهره‌گیری از چارچوب نظری فوق، مفهوم مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کالبد شکافی و تشریح می‌شود.

مهندسی فرهنگ

هرگاه یک نظام فرعی همچون نظام فرهنگی جامعه، بواسطه عوامل درون و برون سیستمی، کارکردهای خویش را به درستی انجام ندهد در نتیجه پویایی، تعادل سیستماتیک و عملکرد آن دچار نقصان و نوعی بی‌نظمی یا عدم تعادل می‌شود، و نیازمند نوعی هدایت و جهت‌دهی و یا اصطلاحاً مهندسی مجدد می‌باشد. بنابراین با توجه به اهداف و کارکردهای مورد انتظار نظام، عناصر و روابط و تعامل بین آنها مورد مطالعه، طراحی و بازسازی قرار می‌گیرد. این طراحی مجدد به شکل‌گیری تعادلی پویا در سطحی بالاتر می‌انجامد که از یک سو کارکردهای مورد انتظار و پیش‌بینی شده آن نظام را تولید می‌کند و از سوی دیگر در نظام فرعی مربوطه ظرفیت و آمادگی لازم را فراهم می‌کند تا تعاملی پایدار و



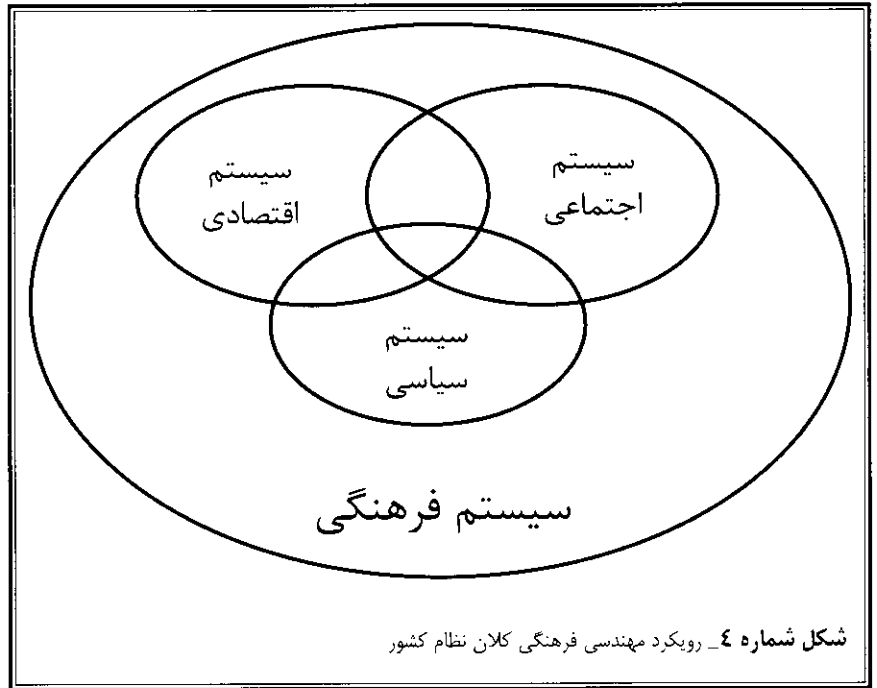
شکل شماره ۳ کلان نظام کشور (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی)

می کند. حال آنکه نظام اسلامی تأکید بر نظام فرهنگی - اعتقادی جامعه به عنوان نظام جهت دهنده سایر نظام‌های فرعی دارد. چگونگی تعامل نظام های چهارگانه و نقش وحدت بخش نظام فرهنگی در کلان نظام اجتماعی در شکل شکل شماره ۴ نشان داده شده است (ناظمی اردکانی، مهدی، ۴۴-۴۰، ۱۳۸۶).

با فرض اینکه نظام فرهنگی مهندسی شده باشد، مسأله اساسی سطح بالاتر، چگونگی تعامل اثربخش و پویا بین نظام فرهنگی، به عنوان سیستم هادی و جهت بخش، با نظام های فرعی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عام می‌باشد. به عبارت دیگر هدف مهندسی فرهنگی، برقراری انسجام محتوایی (باورها و ارزش‌های هنجاری شده) بین سیستم‌های فرعی یک کلان نظام اجتماعی می‌باشد. برای نمونه باورها و ارزش‌های حاکم بر نظام اقتصادی و نظام سیاسی می‌بایست هماهنگ با ارزش‌های نظام فرهنگی جامعه باشد. بنابراین مهندسی فرهنگی عبارت است از فرآیند بازطراحی وحدت بخش و هدفمند بین نظام فرهنگی مهندسی شده با سایر نظام‌های هم عرض به عنوان یک نظام یکپارچه و واحد. در این فرآیند، کارکردها و ساختارهای هر یک از نظام‌های فرعی مبتنی بر مفروضات و ارزش‌ها و باورهای نظام فرهنگی، بازبینی و بازسازی می شود، به گونه ای که تعادل کلان نظام اجتماعی تامین و حفظ می شود. شکل شماره ۵ مدل کلی مهندسی فرهنگی کشور را به تصویر می کشد. همانطور که در شکل بالا نشان داده شده است مهندسی فرهنگی کشور از فرآیند مستمر و پویای مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت راهبردی فرهنگی کشور عملی می شود. مهندسی فرهنگی کشور فرآیند مستمر و دایمی و فراگیر می‌باشد که در سطوح مختلف متناظر با سطوح فرهنگ (ملی، حرفه ای، سازمانی) اجرایی می شود.

ضرورت های مهندسی فرهنگی کشور براساس مختصات سند چشم‌انداز

دگرگونی و تحولات اساسی در ماهیت مولفه‌ها و سمت و سوی روندهای اساسی در محیط‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری و سیاسی در مقیاس ملی و جهانی به شکل گیری شرایط و مقتضیات نوینی انجامیده است که گمان می‌رود تحول نظام فرهنگی موجود جامعه به یک نظام



شکل شماره ۴- رویکرد مهندسی فرهنگی کلان نظام کشور

فرهنگی جامعه است و هدف از آن شناخت عمیق اجزاء، عناصر و روابط بین آنها و باز طراحی و ساخت دهی مجدد بر اساس اهداف و کارکردهای مورد انتظار از آن با توجه به مجموعه مقتضیات (قابل مدیریت) و شرایط (نسبتاً ثابت) می‌باشد (رازنهان، فیروز، و ناظمی اردکانی، مهدی: ۱۳۸۵).

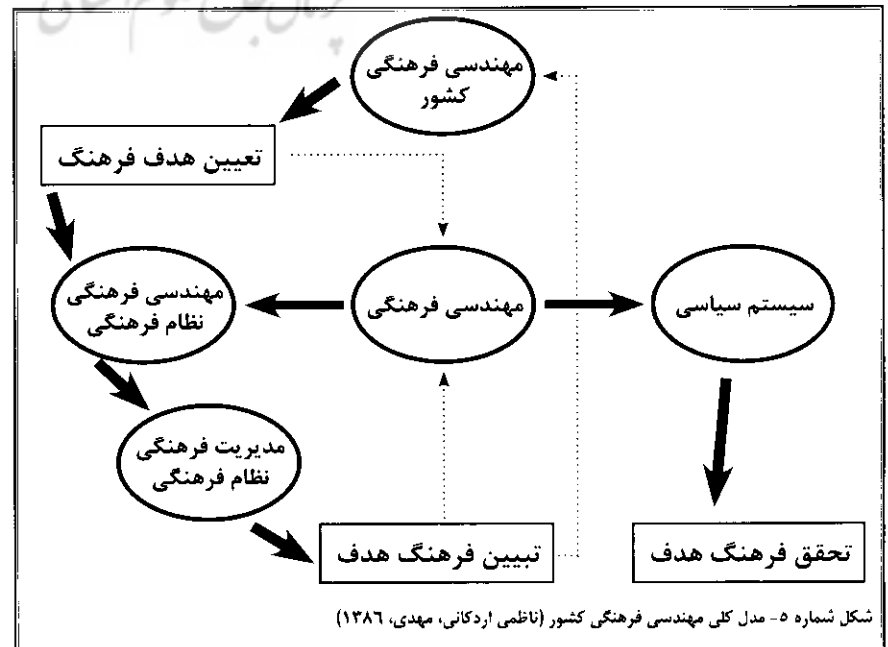
مهندسی فرهنگی

نظام اجتماعی هنگامی از تعادل یا نظم اجتماعی برخوردار است که نظام‌های فرعی چهارگانه آن در یک تعامل پویا و سازنده باشند. جهان بینی‌ها و نظام‌های ایدئولوژیک مختلف معمولاً غلبه یک نظام بر سایر نظام‌ها را تجویز می‌کنند. نظام سرمایه داری حاکمیت نظام اقتصادی را تجویز

پویا با سایر نظام‌های فرعی ایجاد کند. مهندسی فرهنگ به بیان مقام معظم رهبری عبارت است از:

... از مهمترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ کشور است، یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون زا و سیورورت بخش و کیفیت بخشی که فرهنگ نامیده می شود و درون انسانها و جامعه بوجود می‌آید؛ چگونه باید باشد. اشکالات و نواقص اش چیست؟ کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ (در محضر ولایت، ۱۳۸۳).

بنابراین در مهندسی فرهنگ کانون توجه، نظام



شکل شماره ۵- مدل کلی مهندسی فرهنگی کشور (ناظمی اردکانی، مهدی، ۱۳۸۶)



فرهنگی و هویتی یکپارچه ملی، پویا، و متعالی مبتنی بر بنیادهای فرهنگ ملی اسلامی - ایرانی از چالش‌ها اساسی کشور و نظام در شرایط نوین باشد. بدون تردید، نوع پاسخگویی کشور به این چالش اساسی، سرنوشت و آینده کشور را رقم خواهد زد. در ادامه بخشی از ضرورت‌های و الزامات مهندسی فرهنگی کشور در دو سطح فرا ملی (و جهانی) و ملی به اختصار مرور می‌شود (رازنهان، فیروز، و ناظمی اردکانی، مهدی: ۱۳۸۵).

برخی از ضرورت‌های فرا ملی مهندسی فرهنگی کشور را می‌توان در محورهای زیر برشمرد:

- جایگزینی اصل تحول و تغییرات فرهنگی به جای اصل ثبات فرهنگی: تا اواخر قرن ۲۰، فرض بر اصل ثبات فرهنگی بود، به این معنا که تغییر و تحولات فرهنگی به گونه‌ای نسبتاً طبیعی و تکاملی در جریان بود، اما این اصل در اواخر قرن بیستم به چالش کشیده شد و با آغاز قرن بیست و یکم اصل تحول و تغییرات فرهنگی جایگزین آن شده است. درحقیقت، از ریشه‌های اصلی این تغییرات پارادایمی، پیشرفت‌های تکنولوژیک و پیدایش جوامع اطلاعاتی بود که از یک سو به پویایی درونی روزافزون جوامع انجامیده است، و از سوی دیگر تحولات گسترده محیطی را در دو موج بین‌المللی شدن، و جهانی شدن به همراه داشته است. برخلاف گذشته که اصل ثبات حاکم بود، امروزه اصل تغییر و تحول فرهنگی قاعده حاکم بر همه جوامع است (لیونگ و دیگران، ۲۰۰۵).

- جنگ سرد فرهنگی غرب بر ضد اسلام و بالادستی فرهنگ شیعه: در دو دهه اخیر با فروپاشی بلوک شرق و شکل‌گیری نهضت بیداری اسلامی تقابل فرهنگی غرب علیه فرهنگ اسلامی و به خصوص فرهنگ شیعی،

با رشد اتحاد ملی در جامعه، انتظار است، نمادها و شاخص‌هایی از آن در جامعه خودنمایی کند. بیان این نمادها و شاخص‌ها، این اثر را دارد که موضوع از بیان کلی خارج و در قالب مفاهیم مشخص تری بازشناسی می‌گردد

که کشورمان نمایندگی آن را به عهده دارد، شدت گرفته است. در حقیقت آشکار شدن پیوند ناگسستنی سلطه اقتصادی-سیاسی با سیطره فرهنگی سبب شدت گرفتن تقابل فرهنگی سنتی غرب با فرهنگ اسلامی شده است. توفیقات جمهوری اسلامی در کنار بیداری ملل اسلامی و ناکارآمدی سازوکارهای دیگر منجر به شکل‌گیری هدمند و رسمی آنچه مقام معظم رهبری از آن تحت عنوان «ناتوی فرهنگی» یاد کرده‌اند، شده است.

- پیوند درونی و عمیق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار با هویت و فرهنگ جامعه: تجربه جهانی و توسعه کشورهای همچون ژاپن، هند، چین، کره جنوبی و مالزی مبین آن است که تکیه بر هویت و فرهنگ ملی و بومی اساس هر نوع توسعه پایدار و واقعی می‌باشد. علت این امر ریشه در این حقیقت دارد که توسعه در بستر فرهنگی-تاریخی تکامل و تحقق می‌یابد.

برخی از ضرورت‌های داخلی (ملی) مهندسی فرهنگی کشور عبارتند از:

- تدوین سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴
- تجربه بالاترین میزان تغییر و تحولات کشور در بین کشورهای جهان
- استراتژی و یا حاکمیت استراتژی انطباقی در بخش فرهنگی کشور
- روند طبیعی تغییرات فرهنگی کشور متناسب با توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور

اهداف مهندسی فرهنگی کشور

کارکرد اساسی مهندسی فرهنگی کشور شناسایی و برقراری تناسب و تعادل اثربخش بین ارزش‌های ابزاری (نسبی و اقتضایی) و ارزش‌های جوهری (اصیل و مطلق) از طریق ایجاد یکپارچگی و وحدت ساختاری و محتوایی در فرهنگ کشور می‌باشد. این فرایند در چهار حوزه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی با

- محوریت نظام فرهنگی تحقق می‌یابد.
- فراهم آوردن بستر فرهنگی لازم برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴
 - تسریع توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور از طریق ایجاد سازگاری با هویت و فرهنگ خودی
 - حاکمیت استراتژی پیشرو در بخش فرهنگی کشور
 - حفظ، تقویت و ارتقای سطح وحدت، هویت، امنیت، و انسجام ملی
 - کاهش پیامدها و کارکردهای ناخواسته و منفی فرهنگی بخش‌های اقتصادی و سیاسی
 - ایجاد وحدت و یکپارچگی در بخش‌ها و عرصه‌های مختلف فرهنگی کشور
 - زمینه‌سازی جهت استمرار و توسعه دستاوردهای انقلاب اسلامی
 - تعالی معنوی و اخلاقی جامعه از طریق فراهم آوردن بستر و فضای سالم فرهنگی

جمع بندی و نتیجه گیری

کارکرد اصلی چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ را می‌توان آگاهی بخشی، هماهنگی و هدایت تلاش‌ها، افکار و منابع کشور به سوی بخش‌های اصلی دانست که تحقق اهداف توسعه‌ای کشور را ممکن می‌سازد. بنابراین ایجاد تعهد در آحاد جامعه و برخورداری از حمایت و پشتیبانی آنها از الزامات اساسی تحقق اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد.

بنابراین چشم‌انداز در ذات خود، تحول در باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها، و الگوهای رفتاری درباره اینکه کیستیم؟ و می‌خواهیم چه کسی باشیم؟ در کجا ایستاده‌ایم؟ و به سوی کدام مقصد در حرکتیم؟ را داراست.

بنابراین برقراری تناسب (محتوایی و ساختاری) بین سه ضلع مثلث اهداف، ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی زمینه، و دانش و تکنولوژی از ویژگی‌های هر مدل، برنامه و استراتژی توسعه در سطوح مختلف می‌باشد. بر همین اساس شاید بتوان مهندسی فرهنگی کشور را هم‌زاد سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ دانست.

سهام فرهنگ در این میان برجسته و قابل ملاحظه می‌باشد. برای نمونه تحقیقات نشان می‌دهد که فرهنگ ملی، به تنهایی، قدرت تبیین ۲۵ تا ۵۰ درصد تفاوت‌های عملکردی در سطح جوامع و سازمان‌ها را دارد. از جمله ضرورت‌های فراملی مهندسی فرهنگی کشور عبارتند از: تدوین سند چشم‌انداز، جایگزینی اصل تحول و تغییرات فرهنگی بجای اصل

14. Hofstede, Geert & Bond, M.H. (1988). *The Confucius Connection: From Cultural Roots to Economic Growth, Organizational Dynamics*, 16(4), pp. 5-21.
15. Hofstede, Geert & McCrae, R. R. (2004). *Personality and Culture Revisited: Linking Traits and Dimensions of Culture*. *Cross-Cultural Research*, 38, 52-88.
16. Javidan, M. & Dastmalchian, A. (2003). *Culture and leadership in Iran: The land of individual achievers, strong family ties, and powerful elite*. *Academy of Management Executive*, 17 (4), 127-142.
17. Karahanna, E., Evaristo, J. R. & Srite, M. (2005). *Levels of Culture and Individual Behavior: An Integrative Perspective*. *Journal of Global Information Management*, 13(2), 1-20
18. Leung, K., Bhagat, R.S., Buchanan, N.R., Erez, M., & Gibson, C. B. (2005). *Culture and international business: recent advances and their implications for future research*. *Journal of International Business Studies*, 36, 357-378.
19. Markus, H., & Kitayama, S. (1991). *Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation*. *Psychological Review*, 98, 224-253.
20. Mintzberg H. et al., (1998). *Strategy Safari*, Prentice Hall: Hemel Hempstead.
21. Rousseau, D. M., & Fried, Y. (2001). *Location, location, location: contextualizing organizational research*. *Journal of Organizational Behavior*, 22, 1-13.
22. Trompennars, Fons. (1994). *Riding the Waves of Culture: Understanding Diversity in Global Business*, New York: Professional Publishing.

مراجعه شود به:

<http://www.iranculture.org/about/rahbar/mrahbar/b01-22.php>

۶. ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۶). مهندسی فرهنگی کشور: تحلیلی بر فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۱، انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۷. علی کبری، حسن (۱۳۸۵). مدیریت راهبردی با ترسیم چشم‌انداز دستگاہها و موضوعات فرهنگی. درآمدی بر مهندسی فرهنگی کشور، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی کشور (۲۰-۲۱ دیماه ۱۳۸۵). انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۸. رزینان، فیروز، و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۵). مهندسی فرهنگی و نقشه فرهنگی کشور، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی کشور (۲۰-۲۱ دیماه ۱۳۸۵). انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

8. Inglehart, R. and Baker, W.E. (2000). *Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values*, *American Sociological Review* 61(1): 19-51.

9. Cheng, T.K., Sculli, D., & Chan, F. Shui-fun. (2001). *Relationship dominance: Rethinking management theories from the perspective of methodological relationalism*, *Journal of Managerial Psychology*, 16(2), 97-105.

10. Franklin, P., (2002). *Elephants, metaphors, and tropes in strategic management theory: Implications for a strategy for strategy?* *Strategic Change*, 11, 117-129.

11. Gibson C. B. and Zellmer-Bruhn M.E., (2001), *Metaphors and Meaning: An Intercultural Analysis of the Concept of Teamwork: Administrative Science Quarterly*, 46, 274-303.

12. Gupta, V., Surie, G., Javidan, M., & Chhokar, J. 2002 (b). *Southern Asia cluster. Where the old meets the new*. *Journal of World Business*, 37(1): 16-28.

13. Hofstede, G., (1994). *Cultural constraints in management theories*, *International Review of Strategic Management*, 5, 27-48.

ثبات فرهنگی، جنگ سرد فرهنگی غرب علیه اسلام و بالاخص فرهنگ شیعه، تجربه جهانی توسعه کشورهای همچون ژاپن، هند، چین، کره جنوبی و مالزی با تکیه بر هویت و فرهنگ ملی و بومی.

در سطح ملی نیز جامعه در حال گذار ما با چالش‌های جدی مواجه است که جمله‌ای نگاه عمیق و بلند مدت به فرهنگ جامعه را می‌طلبد. از جمله این چالش‌ها تجربه بالاترین میزان تغییر و تحولات کشور در بین کشورهای جهان، فقدان استراتژی و یا حاکمیت استراتژی انطباقی در بخش فرهنگی کشور، تدوین سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، روند طبیعی تغییرات فرهنگی کشور متناسب با توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور می‌باشند. از جمله اهداف مهندسی فرهنگی کشور عبارتند از: فراهم آوردن بستر فرهنگی لازم برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴، تسریع توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور از طریق ایجاد سازگاری با هویت و فرهنگ خودی، حاکمیت استراتژی پیشرو در بخش فرهنگی کشور، حفظ و تقویت و ارتقای سطح وحدت، هویت، امنیت، و انسجام ملی، کاهش پیامدها و کارکردهای ناخواسته و منفی فرهنگی بخش‌های اقتصادی و سیاسی، زمینه‌سازی جهت استمرار و توسعه دستاوردهای انقلاب اسلامی، و تعالی معنوی و اخلاقی جامعه از طریق فراهم آوردن بستر و فضای سالم فرهنگی.

منابع:

۱. لوتی، سید مهدی، (۱۳۷۷). مدیریت عمومی، نشر نی.
 ۲. در محضر ولایت، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۸۱/۹/۲۶).
- مراجعه شود به:
- <http://www.iranculture.org/about-rahbar/mrahbar/b01-20.php>
۳. در محضر ولایت، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۸۲/۱۰/۲۳).
- مراجعه شود به:
- <http://www.iranculture.org/about/rahbar/mrahbar/b01-06.php>
۴. در محضر ولایت، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۸۲/۱۰/۸).
- مراجعه شود به:
- <http://www.iranculture.org/about/rahbar/mrahbar/b01-21.php>
۵. در محضر ولایت، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۸۴/۱۰/۱۳).